



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع: إذا زوج الصبية أبوها أو جدّها لأبيها ورثها الزوج وورثته / ميراث الأزواج.

بجثمان در این بود که محقق در شرایع و امام رضوان الله عليه در تحریر الوسيلة فروعاتی را در مورد ازدواج صبی و صبیّه بیان کرده اند، محقق در شرایع اینطور فرموده که: «الرابعة إذا زوج (بر اساس ولایتی که دارند) الصبية أبوها أو جدّها لأبيها ورثها الزوج وورثته (زیرا ملاک در ارث زوجیت می باشد و این عقد نیز از نظر شارع صحیح می باشد لذا زوجیت محقق شده)، و کذا لو زوج الصغیرین أبواهما أو جدّهما لأبویهما توارثا... الی آخر کلامه الشریف»^۱.

در این مسئله فقط آیت الله خوئی رحمه الله علیه در منهاج الصالحین و مستند العروة مخالف ما بود، ایشان فرمودند عقد مذکور متزلزل می باشد لذا وقتی صبی و صبیّه بالغ شدند خیار در فسخ یا قبول عقد دارند.

دلیل آیت الله خوئی صحیح محمد بن مسلم است که خبر ۸ از باب ۶ از ابواب عقد النکاح و اولیاء العقد وسائل الشیعة می باشد، خبر این است: «وعنه، عن الحسن بن محبوب، عن العلاء، عن محمد بن مسلم قال: سألت أبا جعفر علیه السلام عن الصبي يزوج الصبية، قال: إن كان أبواهما اللذان زوجها فنعم جاز، ولكن لهما الخيار إذا أدركا فان رضيا بعد ذلك فان المهر على الأب قلت له: فهل يجوز طلاق الأب على ابنة في صغره؟ قال: لا أقول: حمله

الشيخ على أن للصبي الطلاق بعد البلوغ وللصبية طلب المهر أو الطلاق ونحو ذلك لما مضى ويأتي»^۲.

شیخ طوسی عن احمد بن محمد بن محمد بن عیسی عن حسن بن محبوب عن علاء بن رزین عن محمد بن مسلم، حدیث سنداً صحیح می باشد.

خب واما اشکال ما به آیت الله خوئی این است که ایشان در مستند العروة و حاشیه بر عروه و منهاج الصالحین مستنداً به این خبر فرموده "لهما الخيار" منتهی این خبر را گزینشی انتخاب کرده اند زیرا ما اخبار دیگری داریم که هم زیاد هستند و هم اقوی دلالة می باشند و با این خبر معارض هستند و ضمناً فقهاء و اصحاب به این خبر عمل نکرده اند و از آن اعراض کرده اند لذا حجت نمی باشد.

صاحب جواهر در صفحه ۲۰۱ از جلد ۳۹ جواهر ۴۳ جلدی و همچنین شهید ثانی در مسالک جلد ۱۳ صفحه ۱۸۱ فرموده اند تزویج و عقد مذکور صحیح است و صبی و صبیّه بعد از بلوغ خیار در فسخ عقدشان ندارند و بعد شهید در مسالک به خبری از زراره استناد می کند که در صفحه ۵۲۸ از جلد ۱۷ وسائل ۲۰ جلدی بیان شده است و بر ما نحن فيه دلالت دارد، بنابراین تنها کسی که قائل به خیار و عدم لزوم عقد است آیت الله خوئی می باشد و بقیه فقهاء ما قائلند عقد صحیح و لازم می باشد.

نکته: اینکه آیت الله خوئی فرموده خیار وجود دارد معنایش این است که عقد من رأس باطل نیست بلکه متزلزل است یعنی لزوم ندارد ولی صحیح است بنابراین

^۲ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۴، ص ۲۰۸، ابواب عقد نکاح، باب ۶، حدیث ۸، ط الإسلامیة.

^۱ شرایع الاسلام، محقق حلی، ج ۴، ص ۲۸، ط اسماعیلیان.

زوجیت محقق شده تا زمان حصول بلوغ و در آن زمان خیار در فسخ دارند پس تا وقتی که اعمال خیار نشده باشد عقد صحیح است و اثر دارد یعنی اگر قبل از بلوغ یکی از آنها بمیرد دیگری از او ارث می برد، از طرفی طبق قول ما و جمیع فقهاء که قائل به لزوم و استقرار عقد هستند در صورتی که بعد از بلوغ راضی به عقد نشوند باید به سراغ طلاق بروند و از هم جدا بشوند و تا طلاق نیامده عقد برقرار می باشد ولی طبق قول آیت الله خوئی به طلاق نیازی نیست چون خودشان اختیار در فسخ دارند بنابراین تفاوت قول آیت الله خوئی با قول ما و همچنین بطلان دلیل ایشان برای ما روشن شد.

حب واما محقق در شرایع در ادامه کلامش در فرع چهارم صور دیگری را مطرح می کند و می فرماید: «و لو زوجهما غیر الأب أو الجد كان العقد موقوفا علی رضاهما عند البلوغ و الرشد (زیرا غیر أب و جد ولایت ندارند لذا عقد فضولی و موقوف بر رضا و اجازه می باشد) و لو مات أحدهما قبل ذلك (رضاهما) بطل العقد و لا میراث، و کذا لو بلغ أحدهما فرضی ثم مات الآخر قبل البلوغ و لو مات الذي رضي عزل نصیب الآخر من ترکه المیت و تربص بالحی، فإن بلغ و أنکر فقد بطل العقد و لا میراث، و إن أجاز صح و أحلف أنه لم یدعه إلى الرضا الرغبة فی المیراث»^۳.

بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

محمد و آله الطاهیرین

^۳ شرایع الاسلام، محقق حلی، ج ۴، ص ۲۸، ط اسماعیلیان.